

• دریافت ۹۱/۰۷/۸

• تأیید ۹۱/۰۹/۷

## طبقه‌بندی منظومه‌های عاشقانه فارسی

حسن ذوالفقاری\*

### چکیده

یکی از ژانرهای شایع و پرطرفدار در ادب سنتی و عامیانه، منظومه‌های عاشقانه است. این نوع ادبی در قالب‌های نظم و نثر و با بیش از ۶۰۰ اثر مکتوب اعم از چاپی و خطی در مجموعه فرهنگ ایرانی ثبت شده است. شاعران بزرگ، هریک به سبب ایجاد مکتب یا به تفنن به این حوزه توجه داشته‌اند. این حجم عظیم از آثار ادبی، تاکنون طبقه‌بندی و تحلیل نشده است. در این مقاله مؤلف می‌کوشد براساس منظومه‌های عاشقانه فارسی، طبقه‌بندی خود را از ده منظر نوع و جنس عشاق، درون‌مایه، منشاء تاریخی، منشاء جغرافیایی، اصالت روایت، پایان، نوع عشق، زبان، بیان و نحوه ارائه، پیشنهاد دهد. پیش از آن کلیاتی در باب منظومه‌های عاشقانه و سیر تاریخی آن بیان می‌شود. این مقاله و طبقه‌بندی پیشنهادی، راه را برای مطالعه بیشتر و بهتر منظومه‌های عاشقانه فراهم می‌آورد.

### کلید واژه‌ها:

منظومه‌های عاشقانه، طبقه‌بندی، انواع منظومه‌ها.

## مقدمه

یکی از شایع‌ترین گونه‌های شعر غنایی، منظومه‌های عاشقانه است. منظومه‌های عاشقانه، بسط‌یافته شعر غنایی است. درغزل، مفهوم عشق به اشارتی بیان می‌شود، اما در منظومه عاشقانه، همان مضمون باز و گسترده شده، در قالب داستانی کمال می‌یابد.

پیش از سرودن منظومه‌هایی مستقل، اشاراتی به نام عرایس و عشاق در شعر شاعران می‌بینیم. یکی از عوامل توجه شاعران به منظومه‌های عاشقانه، تأثیرپذیری شاعران سبک خراسانی از ادب عرب بوده است. اولین اشارات به لحاظ تأثیر شعر و ادب عرب نیز در شعر فارسی از عشاق عرب بوده است. (کریمی، ۱۳۸۰: ۶۱-۸۴)

ازمقایسه داستان‌های عشقی عربی با فارسی درمی‌یابیم که داستان‌های فارسی شکوه و عظمتی خاص دارند. داستان تنها بیان یک ماجرای عاشقانه نیست، بلکه بیان عواطف انسانی، مسائل روانی و درونی و نشان‌دهنده هنرهای کلامی و در نهایت ایجاد روح التذاذ ادبی است.

با رواج شعر غنایی در قرن پنجم و با توجه به زمینه‌های موجود و رونق داستان‌سرایی و منظومه‌پردازی، منظومه‌های عاشقانه نیز کم‌کم شکل می‌گیرد که از برخی تنها نشانی باقی است چون مثنوی‌های رودکی و از برخی، بخشی از آن در دست است مانند وامق و عذرای عنصری (مرگ ۴۳۱) و از برخی دیگر تمام آن موجود است نظیر ورقه و گلشاه عیوقی (نخستین منظومه فارسی). در سیر تکوین داستان عاشقانه، پس از ورقه و گلشاه عیوقی، عنصری با سه منظومه وامق و عذرا، خنگ بت و سرخ بت و شادبهر و عین‌الحیات قرار می‌گیرد که جز بخشی باز یافته از وامق و عذرا، از بقیه اطلاعی نداریم.

شاید بتوان داستان‌های عشقی شاهنامه فردوسی را که در کنار جریان‌های پهلوانی و حماسی شکل می‌گیرد، سرمنشأیی برای نظم‌های دوران بعد دانست: داستان‌هایی چون زال و رودابه، بیژن و منیژه، سودابه و سیاوش و اشاراتی به عشق شیرین و خسرو و بزم‌های بهرام گور. در همین دوران است که مثنوی به عنوان قالبی برای بیان منظومه‌های عاشقانه تثبیت می‌گردد. در پایان همین قرن، «ویس و رامین» اولین و یکی از بزرگترین داستان‌های عاشقانه بلند با ارزش‌های ادبی و هنری والا و با بافت داستانی قوی و زبانی فصیح، خلق می‌شود. این منظومه که ترجمه و بازآفرینی روایت پهلوی یا پارتی داستان است، نقطه شروعی برای داستان‌ها و منظومه‌های بعدی می‌گردد. این داستان به دلایلی چند مورد توجه و تقلید مستقیم قرار نمی‌گیرد و البته با تغییر موضوع و محتوا، متناسب با محیط اسلامی، غیرمستقیم پیروان زیادی پیدا

می‌کند؛ از جمله نظامی (۵۳۵-۶۰۷) در نظم خسرو و شیرین. از یک اثر دیگر نیز در این قرن باید نام برد که بعدها با استقبال مواجه شد و آن نظم یوسف و زلیخا از قصص قرآنی در عصر طغانشاه سلجوقی بود.

دو مکتب فخرالدین اسعد گرگانی و نظامی، موجب تشویق شاعران به سرودن خمسه‌ها و سبعه‌ها شد. عصر تیموری و صفوی دوره رواج نظیره‌گویی و رونق کمی منظومه‌سرایی و داستان‌پردازی است. در قرن نهم منظومه‌های عاشقانه رمزی-تمثیلی رواج یافت. به موازات ایران، داستان‌های عاشقانه در شبه قاره نیز رونق ویژه‌ای گرفت. امیرخسرو دهلوی (۷۲۵ق) نقش برجسته و بالارزشی در رواج این گونه در هند دارد. از دوره بازگشت به بعد، منظومه‌های عاشقانه رو به افول می‌نهد. با شکل‌گیری ادبیات دوران جدید، داستان‌های منظوم عاشقانه، جای خود را به رمان‌های تاریخی و داستان کوتاه و رمان اجتماعی می‌دهند.

تمامی داستان‌های عاشقانه در قالب مثنوی و بحرهای هزج، خفیف، متقارب و رمل سروده شده‌اند. تمامی منظومه‌ها از بخش‌های حمد و ستایش، نعت پیامبر و معراج نامه، مدح ائمه یا خلفا، ستایش ممدوح یا ممدوحان، سبب تألیف، ستایش سخن، نصیحت، عذرانگیزی در نظم کتاب، متن داستان، انجام کتاب شامل دعا، نیایش، ساقی نامه، نصیحت فرزند، شکایت از روزگار، رمز گشایی از داستان، نکوهش روزگار، سخن در تأثیر عشق تشکیل شده‌اند. تعداد این منظومه‌ها قریب ۶۰۰ داستان عاشقانه است که هفتاد درصد به نظم و سی درصد به نثر است.

### طبقه‌بندی منظومه‌های عاشقانه

محمد جعفر محجوب (۱۳۰۳-۱۳۷۴) در یک جا قصه‌ها را به هشت دسته تقسیم می‌کند (محجوب، ۱۳۸۰، ۱۱۶) و گروهی را به داستان‌های بر محور عشق با زمینه‌های اخلاقی، اجتماعی اختصاص می‌دهد و درجایی دیگر (همان، ۱۷۴) به پنج گروه: ۱. عشقی ۲. دینی و ملی ۳. تاریخی ۴. تخیلی ۵. اعجاب‌برانگیز و خنده‌آور. جمال میرصادقی ادبیات داستانی را به قصه، داستان کوتاه، رمان و رمانس تقسیم و داستان‌های عاشقانه را ذیل رمانس می‌آورد. (میرصادقی، ۱۳۷۵: ۳۴)

نگارنده، قصه‌ها را از نظر قالب به افسانه‌ای و غیر افسانه‌ای تقسیم می‌کند که قصه‌های افسانه‌ای شامل افسانه تمثیلی، انسانی، حیوانی، پهلوانی، عاشقانه و پریان است و قصه‌های غیر افسانه‌ای شامل اسطوره، مقامه، حکایت، متل، مثل، تمثیل و داستان مثل می‌شود. (ذوالفقاری، ۱۳۸۸، ۲۳-۴۵)

اما از نظر مضمون و درون‌مایه، می‌توان قصه‌ها را شامل رزمی، حماسی، عیاری و شهنسواری، عاشقانه، عرفانی، اخلاقی، فلسفی و دینی و مذهبی دانست. هرمان آته در تاریخ ادبیات ایران، موضوع منظومه‌های بعد از نظامی و امیر خسرو را در چند بخش از هم تفکیک می‌کند:

نوع اول، داستان‌هایی که به طور غیرمستقیم تقلید از سه موضوع داستانی نظامی است (خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت اورنگ) که در این نوع جریان اصلی وقایع حفظ شده، ولی خود قصه و اشخاص آن تبدیل و تغییر یافته‌اند؛ چون: جمشید و خورشید سلمان ساوجی که تقلید از خسرو و شیرین است و یا مهر و نگار جمالی (تألیف ۸۰۵).

نوع دوم، داستان‌های متأثر از ایران قدیم که تأثیر قوه خیال در آنها باعث دشواری تشخیص عناصر قدیمی در آنها می‌گردد؛ چون: همای و همایون و گل و نرورز خواجه‌ی کرمانی. نوع سوم، داستان عشق سلطان محمود به ایاز که قدیمی‌ترین منظومه آن مربوط است به قرن دهم از شاعری به نام صافی و بعد از وی زلالی خوانساری.

نوع چهارم، داستان‌های متأثر از روایات قرآنی و اسلامی؛ چون: سلیمان و بلقیس و یوسف و زلیخا و یا دستور عفاف که متأثر است از یک حدیث در اصول کافی و یا در مکنون.

نوع پنجم منظومه‌هایی که موضوع آنها مربوط است به شبه قاره هند که به فارسی ترجمه شده و مورد تقلید قرار گرفته‌اند و عمدتاً بر محور پنج منظومه‌اند؛ کامروپ و کاملتا، مدهومات و منوهر، هیر و رانجه‌ها، رتن و پدومات و پنون و سسی که منظومه‌های متعدّد و بی‌شمار بعدی به تقلید از یکی از موضوعات پنجگانه فوق بوده است. (آته، ۱۳۵۶)

این تقسیم بندی چندان دقیق نیست. زیرا مبنای آن معلوم نیست که موضوعی است یا براساس منشاء یا نظیره از یکی از منظومه‌ها؟

در دایرةالمعارف فارسی، این عشاق به سه دسته تقسیم شده‌اند: اول آنها که از زندگی و زمان ایشان آگاهی درستی در دست نیست و فقط نام آنهاست که در شعر فارسی و شعر عربی به عنوان عاشق یا معشوق جریان دارد؛ چون: سلمی، اسما، سلیمی، سعدی؛ دوم معشوق‌فکانی هستند که در آغاز عنوان کلی و عام نداشته‌اند و از نظر تاریخی زندگی و زمان ایشان تا حدودی روشن است؛ از قبیل: لیلی، عزه، عفرا، میه و هند و بئیه که در شعر شاعران فارسی زبان، اشارات بسیاری به عشق آنان شده است و اینان عبارتند از زنانی که شاعرانی معروف، عاشق ایشان بوده‌اند و به عبارت عشق آن شاعران، در تاریخ ادبیات عرب و به تتبع در شعر فارسی، نامشان

بسیار برده می‌شود. سوم به ظاهر معشوق‌کان عرب هستند که در شعر فارسی به تفضیل بیشتری از آنان یاد شده و منظومه‌هایی به نام آنان سروده شده است؛ مثل: ورقه و گلشاه و لیلی و مجنون. (مصاحب، ۱۳۸۰: ۱۷۳۵) در این تقسیم بندی، منشاء عربی منظومه‌ها و چگونگی رواج آنها در ادب فارسی مد نظر بوده است.

منظومه‌های عاشقانه از جهات گوناگون چون منشاء، درون‌مایه، آغاز و انجام، طرفین عشق، به انواعی تقسیم می‌شوند:

### ۱-۲. براساس نوع و جنس عشاق

طرفین داستان (عاشق و معشوق) ممکن است دو انسان باشند و نوع غالب این دسته آن است که عاشق و معشوق مذکر و مؤنث‌اند؛ مثل: لیلی و مجنون، وامق و عذرا و در عده‌ای قلیل از این منظومه‌ها، عشق از نوع مذکر است؛ مثل: محمود و ایاز، ناظر و منظور، شاه و درویش. در دسته دوم، طرفین عشق غیر انسان است؛ مثل: شمس و قمر، گل و بلبل.

در حسن و دل فتاحی نیشابوری، طرفین داستان و سایر قهرمانان از امور معنوی یا از اعضا و جوارح‌اند؛ چون: قلب، دل، آب حیات و غمزه. در منظومه شمس و قمر خواجه مسعود قمی، قهرمانان از عناصر و اسامی نجومی مثل: شب، روز، فلک، عرش و کرسی انتخاب شده‌اند. پس عشاق ممکن است یکی از شکل‌های زیر باشد:

#### ۱-۱ دو انسان

مذکر و مؤنث: لیلی و مجنون، خسرو و شیرین و ...

مذکر و مذکر: محمود و ایاز، ناظر و منظور، مهر و مشتری، شاه و درویش

انسان و پری: سام و پری‌دخت

#### ۱-۲ غیر انسان

دو گیاه: سرو و گل

گیاه و حیوان: سرو و تذرو

نام‌های نجومی: مهر و مشتری، مهر و ماه، شمس و قمر

اسامی معنی: نازو نیاز، زیبا و رعنا، حسن و دل

**۲. براساس درون‌مایه**

- ۲-۱ صرفاً عاشقانه: لیلی و مجنون، خسرو و شیرین  
 ۲-۲ عاشقانه - عارفانه: شیخ صنعان و دختر ترسا  
 ۲-۳ رمزی و تمثیلی: سلامان و ابسال، حسن و دل  
 ۲-۴ عیاری - عاشقانه: سام و پری‌دخت، همای و همایون

**۳. براساس منشاء تاریخی**

- ۳-۱ اسطوره‌ای: دسته‌ای منظومه‌ها اسطوره‌ای‌اند؛ مثل: ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و بیژن و منیژه فردوسی.  
 ۳-۲ تاریخی: برخی داستان‌های عاشقانه براساس حادثه‌ای تاریخی و کاملاً واقعی شکل گرفته‌اند؛ مثل: واله و سلطان.  
 ۳-۳ نیمه تاریخی: دسته‌ای دیگر از این عشاق واقعیت تاریخی دارند، ولو این واقعیت تاریخی بسیار کمرنگ باشد. اما شاعرانی آن را به صورت یک داستان بلند درآورده‌اند؛ مثل: خسرو شیرین نظامی، رابعه و بکتاش عطار یا محمود و ایاز زلالی خوانساری. برخی از این داستان‌ها در تاریخی و یا اسطوره‌ای بودن آنها محل نزاع است؛ مثل: وامق و عذرای عنصری و سلامان و ابسال جامی که ریشه یونانی دارند و یا لیلی و مجنون نظامی و ورقه و گلشاه عیوقی که اصلی عربی دارند و یا سسی و پنون و نل و دمن و هیر و رانجه‌ها که مربوط به داستان‌های شبه قاره هند است و یا زهره و منوچهر ایرج میرزا که منشایی اروپایی دارد. البته منشاء چند داستان مشهور، قرآن است؛ چون: یوسف و زلیخا و سلیمان و بلقیس.  
 ۳-۴ تخیلی: بخش عمده‌ای از داستان‌ها بر ساخته ذهن سازندگان آنهاست؛ مثل: حیدربیک و سمندر، رعنا و زیبا و جمشید و خورشید و مهر و وفا.

**۴. براساس منشاء جغرافیایی**

منشاء برخی داستان‌ها به‌طور دقیق بر ما معلوم نیست. اما داستان‌سرایی در ایران پیش از اسلام وجود داشته و یکی از درون‌مایه‌های مهم این داستان‌ها عشق بوده است. نمونه‌های آن روایت‌هایی از داستان بیژن و منیژه و زال و رودابه است که فردوسی آنها را بازآفرینی کرده است و یا ویس و رامین که منشایی پارسی دارد و با برداشتهایی در دوره اسلامی به نظم کشیده شده

است. اما پس از اسلام، داستان‌های عشقی عربی چون ورقه و گلشاه و لیلی و مجنون را شاعران فارسی‌زبان از اصل روایت‌های کوتاه عربی آن گرفته و بازآفرینی کرده‌اند و در قالبی کاملاً متفاوت و هنرمندانه عرضه داشته‌اند. قرآن نیز با داستان‌هایی چون یوسف و زلیخا و سلیمان و بلقیس، الهام‌بخش شاعران فارسی‌زبان در خلق این‌گونه داستان‌ها بوده است. جز منابع عربی و اسلامی از طریق ترجمه و آشنایی با سنت‌های یونانی، برخی از داستان‌ها چون سلامان و ابدال و وامق و عذرا نیز بازآفرینی و به نظم کشیده شد. همچنین با گسترش زبان فارسی در شبه قاره هند و آشنایی ایرانیان با داستان‌های عشقی هند، برخی از داستان‌های هندی نیز به فارسی منظوم گردید. در مجموع از حیث منشاء، داستان‌های عاشقانه چهار دسته‌اند:

۴-۱ ایرانی:

قبل از اسلام: پارتی: ویس و رامین / ساسانی: خسرو و شیرین

پس از اسلام: لیلی و مجنون

۴-۲ شبه قاره: هیرورانجه‌ها، رام و سیتا

۴-۳ یونانی: وامق و عذرا، سلامان و ابدال

۴-۴ سامی: ورقه و گلشاه، لیلی و مجنون

## ۵. براساس اصالت روایت

۵-۱ اصلی: خسرو و شیرین نظامی، ویس و رامین

۵-۲ اقتباسی: هشت بهشت امیرخسرو دهلوی

## ۶. براساس پایان

پایان داستان‌های عاشقانه گونه‌های متفاوتی دارد. از این رو می‌توان منظومه‌ها را به غمنامه و شادی‌نامه تقسیم نمود:

۶-۱ غمنامه (تراژدی) که با مرگ نابهنگام و دلخراش قهرمان به پایان می‌رسد؛ مثل: لیلی و مجنون که حزن‌آلود و غم‌انگیز است و موجب تأثر روح و روان می‌گردد. شهرت این‌گونه داستان‌ها بیشتر است.

یکی از نشانه‌های طبیعی عشق پاک، مرگ است. زیرا عاشق بر اثبات حقیقت عشق خود عزیزترین و گرانبمایه‌ترین کالای خود، یعنی جانش را فدا می‌کند. بعد از مرگ معشوق هیچ چیز

برای عاشق معنی و مفهوم ندارد. اگر زنده است برای اوست.

وقتی به دسیسه، خبر مرگ شیرین به فرهاد می‌رسد، فرهاد «از طاق کوه چون کوهی درافتاد» و:

برآورد از جگر آهی چنان سرد که گفتم دور باشی بر جگر خورد (خسرو و شیرین، ص ۲۵۶)  
مجنون قیس، چون خبر مرگ لیلی را شنید، به آرامگاهش شتافت و تربتش را در آغوش کشید و در حالت ضعف و ناتوانی همانجا جان داد. انجام کار سلامان نیز حزن‌آور است: پدر سلامان به دسیسه حکیم، عشق سلامان را از ابدال به زهره منتقل می‌کند و ابدال نگون‌بخت در آتش می‌سوزد.

سیاوش اسیر جاه‌طلبی و شهوت‌پرستی سودابه است و چون از این عشق ممنوع سرباز می‌زند، سرانجام مظلومانه خونس ریخته می‌شود. شیرین نیز پس از کشته شدن خسرو به دست شیرویه، در دخمه با دشنه‌ای جگرگاه خود را می‌درد و کنار خسرو جان می‌دهد.  
وقتی حارث، برادر رابعه، وی را در حمام رگ می‌زند و خبر مرگ رابعه به بکتاش می‌رسد، وی ضمن انتقام از حارث:

به خاک دختر آمد جامه بر زد یکی دشنه گرفت و بر جگر زد  
در گروهی دیگر، معشوق چون خبر مرگ عاشق را می‌شنود، جان می‌دهد یا خود را می‌کشد.  
وقتی ورقه در اثر عشق می‌میرد، گلشاه پریشان حال بر گور ورقه می‌آید و:

بغلتید بر خاک چون بی‌هشان چو مظلوم در دست مردم‌کشان  
بشد گور را در برآورد تنگ نهاد از برش عارض لاله‌رنگ  
و در همان حال از شدت زاری و گریه جان می‌دهد.

سسی (معشوق) نیز وقتی خبر مرگ پنون را می‌شنود، از خدا مرگ خود را می‌خواهد. پس زمین دهان باز کرده او را به کام خود می‌کشد. رامین، پس از مرگ ویس پادشاهی را به پسر خود وامی‌گذارد و مجاور آتشگاهی نزدیک دخمه ویس، عمر را به گریه و زاری می‌گذراند. پایان داستان حسن و عشق و مدهو مالت و منوهر و بیشتر منظومه‌های شبه قاره یا متأثر از آنها، چنین است.

محور «ستی‌نامه‌ها» به آتش رفتن معشوق، پس از مرگ عاشق است. ستی (sati) از آداب و رسوم هندوان قدیم بود. هنگامی که شوهر زنی می‌مرد، او نیز با جسد شوهر سوزانده می‌شد تا وفاداریش به همسر معلوم گردد. این رسم هندوان دستمایه بسیاری از شعرای فارسی زبان شده

و منظومه‌هایی مستقل را در همین موضوع به وجود آورده است. موضوع مثنوی معروف سوز و گداز نوعی خبوشانی (مرگ ۱۰۱۹ ق) مرگ تازه داماد است که زن نیز در آتش خود را می‌سوزاند. چنین است ستنامه مجرم کشمیری و سحر هلال اهلی شیرازی (مرگ ۹۲۴) که گل پس از مرگ جم خود را به آتش می‌افکند.

۲-۶ شادی‌نامه که داستان پایانی خوش دارد و قهرمانان به وصال می‌رسند؛ مثل: بهرام و گل‌اندام. این دسته از منظومه‌ها متأثر از داستان‌ها و افسانه‌های عامیانه هستند و از جهت شکل و بافت به آنها شبیه اند، پایانی خوش و توأم با شادی و جشن و سرور دارد. همچنین داستان‌هایی که رنگ حماسی دارند، به دلیل بقای نسل قهرمان (عاشق) به وصال ختم می‌شود. عشق تهمینه به رستم، مقدمه تولد سهراب و پدید آمدن یک داستان پهلوانی و تراژدی جدید است. چنانکه عشق رودابه و زال موجب تولد رستم و آغاز یک دوره اسطوره‌ای در شاهنامه شد. همایون پس از پشت‌سر نهادن یک دوره پر مخاطره همراه با حرمان‌ها و جنگ‌ها، به سمن‌زاد نوحاب رفته، به کامرانی می‌پردازد و آنگاه ازدواج می‌کنند. زلیخا در پایان داستان، جوانی خود را از خدا باز می‌گیرد و به وصال یوسف می‌رسد. اما عشق طبیعی آنان به عشق الهی بدل می‌گردد. تذرو پس از دربه‌دری‌های بسیار به وصال سرو نایل می‌آید. چنین است منظومه‌های گل و نورو و جمشید و خورشید.

## ۷. براساس نوع عشق

کزآزی داستان‌های عاشقانه را از نظر نوع عشق، دو گونه می‌کند:

۱-۷ زمینی «که قهرمان دل‌باختگی، قهرمان عشقی زمینی و این سری و گیتیگ است. رامین و خسرو از گونه این قهرمانانند که پیشینه‌ای کهن دارند و از روزگاران باستان و از ادب حماسی به یادگار مانده‌اند و دنباله بخش بزمی در این ادب و سروده‌های رامشی (غنائی) Lyrique شمرده می‌توانند آمد. این قهرمانان نمونه‌هایی‌اند بازمانده از دل‌باختگانی جنگاور و سلحشور که در دستان‌های گوسانان پارتی و چکامه سرایان ساسانی از آنان سخن می‌رفته است. ویژگی و هنجار بنیادین در دلشدگی این قهرمانان آن است که پس از تلاش و تکاپوی و گذشتن از شیب و فرازهای بسیار و گسستن بندهای بازدارنده، سرانجام دلدار را فرادست می‌آورند و از او کام می‌ستانند.

۲-۷ آسمانی: قهرمان دل‌باختگی، قهرمان عشقی آن سری و مینوی و نمادین است. فرهاد و

مجنون از گونه این قهرمانانند. آنان به راستی رهروانی‌اند گامزن در راه خداجویی که آرمان و آماجشان رسیدن به خداجویی است. آنان نمونه‌هایی «بزمی» از درویشان دلریش‌اند و رهروان شوریده رسته از خویش. این دلشدگان، در دبستان عشق این سری و زمینی، رمز و راز و القبای عشق‌ورزی با یار آسمانی را می‌آموزند. این گونه قهرمانان دلباختگی، در کار و بار دلشدگی و دلداری، ناکام می‌مانند و بی‌بهره از پیوند با یار، جان در کار عاشقی می‌کنند.»

وی معتقد است «روندها و کاروسازهای دلشدگی، در پهنه ادب پارسی، به سود قهرمانان از گونه دوم بوده است و اندک اندک دلباختگی نمادین، جای دلباختگی راستین را گرفته است و فرهاد بر خسرو چیرگی و برتری یافته است. نشانه‌ای برونی از این دگردیسی دیگرگشت داستان‌های عاشقانه از نام خسرو و شیرین به نام فرهاد و شیرین است. نیز خسرو آنچه‌ان در سایه فرهاد می‌ماند که سرانجام در او رنگ می‌بازد.» (کزازی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۸-۱۵۶)

## ۸. براساس زبان

۸-۱ ادبی: برخی از داستان‌های عاشقانه ایرانی از جنبه‌های ادبی برجسته‌ای برخوردار هستند؛ مثل: خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و یوسف و زلیخا.

۸-۲ عامیانه: برخی برگرفته از داستان‌های شفاهی و عامیانه و نزدیک به زبان مردم است که ارزش هنری خود را دارند؛ مثل: حیدریک و سمنبر، فلکنان‌نامه. در این گونه داستان‌ها عناصر، بن‌مایه‌ها و ویژگی‌های قصص و افسانه‌های عامیانه به چشم می‌خورد. این گونه داستان‌ها بر زبان مردم جاری بوده و شاعران صورت نظم به آنها بخشیده‌اند.

## ۹. براساس بیان

۹-۱ تمثیلی / رمزی / استعاری: دسته‌ای از این داستان‌ها بیانی رمزآلود و تمثیلی و پیچیده دارند؛ چنان‌که غرض شاعر بیشتر بیان مسائل فلسفی و عرفانی در قالب این گونه داستان‌ها بوده، نه پرداخت و نظم یک حماسه عشقی؛ مثل: سلامان و ابسال جامی، حسن و دل فتاحی نیشابوری.

«در این منظومه‌ها تعابیر رمزی، ذهن مخاطب را به معانی ثانوی آنها سوق می‌دهد؛ عدم واقعیت در عناصر، فضای کلی، ساختار و ظاهر منظومه، بیانگر مفهومی فراتر از ظواهر و الفاظ است. منظومه سرایان، گاه با اشارات صریح خود به وجود رمز و تمثیل در آثارشان اشاره دارند.» (فلاحی، ۱۳۸۹، ۱۲)

آثاری چون حی بن یقظان، رساله الطیر، سلامان و ابسال، آواز پر جبرئیل، عقل سرخ، قصه الغریبه الغریبه را باید جزء آثار رمزی محسوب داشت و نه تمثیلی. زیرا پرمغزترین آثار حکمی عرفانی به همراه حوادث و مطالب غیر تجربی و بی‌توضیح و تفسیر در آن جمع شده است. باید بین این نوع با لغز و معما فرق گذاشت. در این نوع داستان‌ها مکان‌ها، اشخاص، حوادث غیر واقعی هستند. معانی و مفاهیم چندان تنوعی ندارند، اما رمزها مصور و متنوع اند؛ یعنی معانی قطعیت ندارند. این گونه داستان‌ها بیشتر جنبه تعلیمی دارند. زیرا فهم آنها ساده‌تر و آسان‌تر صورت می‌گیرد.

مضامین اصلی این داستان‌ها چنین است:

۱. انسان را از دو چیز آفریده‌اند: یکی کالبد ظاهر (تن) و دیگری باطن (نفس) که حقیقت در باطن است.
  ۲. نفس از آن عالم و مشتاق به اصل خویش است، آنچه وی را باز می‌دارد، شواغل دنیایی است. خواب ریاضت نفس اتصال به آن عالم، راه رسیدن به اصل خویش است.
  ۳. با از بین رفتن تعلقات دنیایی، نفس به ملاً اعلی می‌پیوندد و لذت‌های روحانی را می‌چشد.
  ۴. از طریق ریاضت می‌توان بی‌واسطه کسب معرفت کرد. (پور نامداریان، ۱۳۶۷)
- ۲-۹ غیر تمثیلی: آثاری که بیان آنها جنبه رمزی ندارد و هدف بیان داستانی عاشقانه است. مثل لیلی و مجنون و ویس و رامین. ممکن است از کلیت این آثار بتوان برداشت‌های عرفانی و تمثیلی کرد، اما مکان‌ها، اشخاص و حوادث به طور خاص جنبه نمادین ندارند.

## ۱۰. براساس نحوه ارائه

۱۰-۱. مکتوب: اغلب منظومه‌ها

- ۱۰-۲. شفاهی (نقالی، قصه‌گویی، نمایش): یکی از شیوه‌های نقل‌های عاشقانه، نقل موسیقایی (آوازی) است که تلفیقی از نقل و موسیقی و شعر است. نوع روایت این داستان عاشقانه چنین است که راوی از زبان عشاق با بیت‌گویی یا «بیت بستن» جریان شعر را دنبال می‌کند. راوی با شعر پیشگویی می‌کند و قهرمان با شعر از مرگ نجات پیدا می‌کند. نظیر این داستان در ادب شفاهی و نواحی ایران فراوان است؛ مثل: عزیز و نگار، مهدی و نسایی، طالب و زهره، امیر و گوهر، شرفشاه و خروسک، عزت و میرک، طالب و نجما یا نجما و رعنا یا نجما و گل افروز.
- این داستان‌ها به صورت موسیقایی در نواحی ایران اجرا می‌شود. همه اقوام و طوایف ایرانی در فولکلور خود تعدادی از نقل‌های غنایی و عاشقانه را در مجالس و شب‌نشینی‌های خود استفاده می‌کرده‌اند. منشاء تعدادی از این نقل‌ها ادبیات مکتوب و ملی و برخی دیگر نیز ملهم از

قصه‌پردازی‌های بومی و منطقه‌ای بوده است. محتوای این نقل‌ها ناملایماتی است که عاشق در راه رسیدن به معشوق متحمل می‌شود. داستان نقل‌ها گاه مثل نقل «ورقه و گلشاه» در سمنان مطلقاً بومی است و اختصاص به منطقه‌ای خاص دارد و گاه مانند نقل حیدربیک و سنمبر و یا نجمای شیرازی، در چند استان رواج دارد. سرانجام بیشتر این‌گونه نقل‌ها تراژیک است و قهرمان داستان (عاشق) از وصال معشوق محروم می‌ماند. هرچه هست نقل‌های غنایی باتوجه به دانش و سطح فرهنگ هر منطقه، با درک و شعور آنان و نحوه خاص معیشت و ذوق بومی هماهنگ می‌شود. نقل‌های غنایی در برخی مناطق تا حد زیادی مبتدل و شیرین می‌شود؛ مثل: نقل حسینا در سمنان. در برخی نواحی از حرمت و لطافت خاصی برخوردار است؛ مثل: نقل شیرین و خسرو در لرستان. طبیعتاً آن دسته از نقل‌های غنایی که عیناً یا براساس منظومه‌های مکتوب ادبی و از ادبیات کلاسیک ایران برداشت شده‌اند، متعالی‌ترین نوع از ادبیات غنایی محسوب می‌شوند. زبان این‌گونه نقل‌ها همچون: «شیرین و خسرو» و «لیلی و مجنون» اگرچه در روایت راویان نواحی مختلف همچون: لرستان، خراسان و فارس با لهجه‌های محلی درمی‌آمیزد، ولی اساس داستانی آنها روال اولیه و اصلی خود را حفظ می‌کند. از این‌گونه نقل‌ها، می‌توانیم به لیلی و مجنون در خراسان و لرستان و بختیاری، زهره و طاهر در ترکمن صحرا، طاله و محمود در ایل قشقایی (قاراقاپاق) اصلی و کرم در آذربایجان، طالب و زهره در مازندران و رعنا در گیلان اشاره نماییم. (نصری اشرفی، ۱۳۸۳، ۴۳۰/۲ و ۳۷۸/۲)

### نتیجه‌گیری

بخش مهمی از داستان‌های فارسی را منظومه‌های عاشقانه تشکیل می‌دهد. یکی از عوامل توجه شاعران به منظومه‌های عاشقانه، تأثیر پذیری شاعران سبک خراسانی از ادب عرب بوده است. با رواج شعر غنایی در قرن پنجم و با توجه به زمینه‌های موجود و رونق داستان‌سرایی و منظومه‌پردازی، منظومه‌های عاشقانه نیز کم‌کم شکل می‌گیرد. منظومه‌های عاشقانه از ده منظر به انواعی تقسیم می‌شوند:

۱. براساس نوع و جنس عشاق:

۱-۱ دو انسان: مذکر و مؤنث؛ لیلی و مجنون؛ مذکر و مذکر؛ محمود و ایاز؛ انسان و پری؛ سام و پری‌دخت.

۱-۲ غیر انسان: دو گیاه: سرو و گل؛ گیاه و حیوان: سرو و تذرو؛ نام‌های نجومی: مهر و مشتری؛ اسامی معنی: ناز و نیاز.

۲. براساس درون‌مایه
  - ۲-۱ صرفاً عاشقانه: خسرو و شیرین.
  - ۲-۲ عاشقانه - عارفانه: شیخ صنعان و دختر ترسا.
  - ۲-۳ رمزی و تمثیلی: سلامان و ابدال
  - ۲-۴ عیاری - عاشقانه: همای و همایون.
۳. براساس منشاء تاریخی
  - ۳-۱ اسطوره‌ای: ویس و رامین.
  - ۳-۲ تاریخی: واله و سلطان.
  - ۳-۳ نیمه تاریخی: خسرو شیرین.
  - ۳-۴ تخیلی: مهر و وفا.
۴. براساس منشاء جغرافیایی
  - ۴-۱ ایرانی: قبل از اسلام: پارتی: ویس و رامین / ساسانی: خسرو و شیرین؛ پس از اسلام: لیلی و مجنون.
  - ۴-۲ شبه قاره: هیرورانچها.
  - ۴-۳ یونانی: وامق و عذرا.
  - ۴-۴ سامی: ورقه و گلشاه.
۵. براساس اصالت روایت
  - ۵-۱ اصلی: خسرو و شیرین نظامی.
  - ۵-۲ اقتباسی: هشت بهشت امیر خسرو دهلوی
۶. براساس پایان
  - ۶-۱ غمنامه: لیلی و مجنون.
  - ۶-۲ شادی‌نامه: رودابه و زال.
۷. براساس نوع عشق
  - ۷-۱ زمینی: ویس و رامین.
  - ۷-۲ آسمانی: شیخ صنعان و دختر ترسا.
۸. براساس زبان
  - ۸-۱ ادبی: یوسف و زلیخا.
  - ۸-۲ عامیانه: حیدربیک و سمنبر.
۹. براساس بیان

- ۹-۱ تمثیلی / رمزی / استعاری: حسن و دل.  
 ۹-۲ غیر تمثیلی: ویس و رامین.  
 ۱۰. براساس نحوه ارائه  
 ۱۰-۱. مکتوب: اغلب منظومه‌ها.  
 ۱۰-۲. شفاهی: عزیز و نگار.

## منابع

- آته، هرمان، تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه رضازاده شفق، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.  
 - پراپ، ولادیمیر، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، توس، چاپ اول، ۱۳۶۸.  
 - پورنامداریان، تقی، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.  
 - ذوالفقاری، حسن، «تأملی در مثنوی جمال و جلال»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و پنجم، شماره سوم، پائیز ۱۳۸۵ (پیاپی ۴۵)، ص ۱۰۱-۱۱۶.  
 - ذوالفقاری، حسن، منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی، تهران، نیما، ۱۳۷۴.  
 - ذوالفقاری، حسن، طبقه‌بندی قصه‌های سنتی فارسی، جستارهای ادبی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۴۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸، ص ۲۳-۴۵.  
 - شوشتری، ملا خطا، معشوق بنارس، تصحیح حسن ذوالفقاری و پریز ارسطو، تهران، چشمه، ۱۳۸۸.  
 - صدیقی، طاهره، داستان‌سرایی در شبه‌قاره، مرکز تحقیقات ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۳۳۷.  
 - صورتگر، لطفعلی، ادبیات غنایی ایران، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.  
 - غلامرضایی، محمد، داستان‌های غنایی منظوم، فردابه، ۱۳۷۰.  
 - فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش سعید حمیدیان (از روی چاپ مسکو)، تهران، نشر داد، ۱۳۷۴.  
 - فالاحی، صادق، منظومه‌های رمزی و تمثیلی در ادب فارسی، ۱۲.  
 - کریمی، علی اصغر بابا صفری، عرایس شعری عرب در ادب فارسی، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۶۲، پاییز ۱۳۸۰، ص ۶۱-۸۴.  
 - کزازی، میرجلال‌الدین، گنج در جرون، آینه میراث، دوره جدید، پاییز ۱۳۸۲، شماره ۲۲، ص ۱۳۸-۱۵۶.  
 - محجوب، محمدجعفر، ادبیات عامیانه ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران، چشمه، ۱۳۸۱.  
 - مدی، ارژنگ، عشق در ادب فارسی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.  
 - میرصادقی، جمال، عناصر داستان، تهران، سخن، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.  
 - مصاحب، غلامحسین، دایرةالمعارف فارسی (۳ جلد)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰.  
 - نصری اشرفی، جهانگیر، نمایش و موسیقی در ایران (۳ جلد)، تهران، نشر آرون، ۱۳۸۳.  
 - نظامی گنجوی، کلیات خمسه، به تصحیح وحید دستگردی، علمی، تهران، ۱۳۵۷.